

معلمان و پایش رویکرد تلفیق

برنامه درسی «مطالعات اجتماعی» چند سالی است که دستخوش تغییر و تحول شده است. این تحول با دگرگونی نظام دیسیپلینی و درس‌های مجزا، رویکرد جدیدی را دنبال می‌کند که در ادبیات برنامه‌ریزی درسی از آن به‌عنوان «رویکرد تلفیق» یاد می‌شود. این رویکرد هم‌اکنون در دوره عمومی ۹ ساله ابتدایی و متوسطه اول اجرا شده و طی آن، درس‌های تاریخ، جغرافی و دانش اجتماعی زیر عنوان واحد «مطالعات اجتماعی» تلفیق شده‌اند. انتظار می‌رود چنین روند تحولی به شکل نیمه‌تخصصی طی سال‌های آتی در دوره متوسطه دوم نیز اجرا شود. هم‌اکنون در دوره متوسطه دوم درس‌های جامعه‌شناسی، اقتصاد و روان‌شناسی ارائه می‌شود و از سوی دیگر، برخی درس‌ها چون جمعیت‌شناسی، مردم‌شناسی و حقوق مغفول مانده‌اند.

تلفیق به معنی ترکیب و درهم آمیختگی حوزه‌های محتوایی و موضوعی نزدیک به هم حول یک تم، مضمون یا مسئله مشخص است. تلفیق می‌تواند از سطوح ابتدایی و ساده ترکیب سرفصل‌های درس‌ها شروع شود و تا سطوح عمیق‌تری چون ارائه چند درس حول یک تم یا مسئله مشخص را دربرگیرد. آنچه هم‌اکنون با عنوان رویکرد تلفیق در دوره آموزش عمومی جریان دارد، تلفیق مضامین و محتوای سه درس تاریخ، جغرافی و دانش اجتماعی حول پنج موضوع کانونی و کلان «زمان»، «تداوم و تغییر»، «مکان و فضا»، «نظام اجتماعی، فرهنگ و هویت»، و «منابع و فعالیت‌های اقتصادی» است.

از سوی دیگر، رویکرد تلفیق گذشته از کاهش عنوان‌ها و حجم درس‌ها در پرتو یک دیدگاه هولیستی و کلان‌نگر مفهومی و مضمونی، با نوعی آسیب‌شناسی از وضعیت موجود نظام آموزشی تلاش کرده است با عبور از حافظه‌محوری نقش فعال، آگاهانه و داوطلبانه یادگیرنده را در فرایند یاددهی - یادگیری مورد تأکید قرار دهد و زمینه را برای تقویت و توسعه روحیه پرسشگری، پژوهشگری و خلاقیت فراهم کند. در این رویکرد همچنین نقش معلم و مرجعیت او به‌عنوان راهبر آموزشی مورد توجه و تأکید قرار گرفته و از نگاه سنتی به معلم و نقش یکسویه او به‌عنوان دانای کل در پرتو تأکید بر فرایند دوسویه و تعاملی یادگیری - یاددهی فاصله گرفته شده است.

توجه و تأکید بر نیازهای متفاوت و متنوع فراگیرندگان بر حسب مقتضیات و خرده فرهنگ‌های محلی و منطقه‌ای، نوع زندگی و معیشت شهری، روستایی و عشایری، و نیز تمایزات جنسی و فردی دانش‌آموزان از دیگر ویژگی‌های این رویکرد است.

حال بر مبنای چنین اهداف و انتظاراتی که رویکرد جدید تلفیق در برنامه درسی مطالعات اجتماعی دنبال می‌کند و با توجه به اینکه سه سال از اجرای آن می‌گذرد، جا دارد معلمان به‌عنوان مجریان چنین برنامه‌ای در آستانه سال جدید تحصیلی به ارزیابی نقاط قوت و ضعف آن بپردازند، راه را برای تقویت، تکمیل، اصلاح و بازنگری آن در آینده هموار کنند. چنین ارزیابی قبل از هر چیز باید به این سؤال‌ها بپردازد:

- رویکرد جدید تلفیق در برنامه درسی علوم اجتماعی تا چه اندازه در رسیدن به اهداف خود موفق بوده است؟
- در این راه هر یک از عناصر و اجزای برنامه چه نقش و سهمی داشته و دارند؟
- معلمان، به‌عنوان عنصر اصلی اجرای برنامه، تا چه اندازه به اهداف برنامه واقف‌اند و توان و امکان اجرای آن را دارند؟
- فاصله برنامه اجراشده با برنامه قصد شده چه قدر است؟

● مهم‌ترین موانع و مشکلات این برنامه چیست؟

● تا چه اندازه امکان توسعه و تعمیم چنین برنامه‌ای در دوره متوسطه دوم وجود دارد؟
مجله «رشد آموزش علوم اجتماعی» به‌عنوان صدای معلمان و دبیران علوم اجتماعی آماده انعکاس نقدها، نظرات، پیشنهادات و راهکارهای معلمان در این زمینه است، تا از این رهگذر به تقویت، تکمیل و اصلاح رویکرد مذکور کمک کند. تأکید بر ارزیابی و نقد رویکرد تلفیق از جانب معلمان و دبیران از آن جهت است که معلمان، گذشته از اجرای برنامه، وظیفه‌ی پایش و دیده‌بانی نسبت به نحوه اجرا و مشکلات و مسائل و موانع علمی آن را نیز برعهده دارند.

همیشه شرایط و مقتضیات زمانی و مکانی و مسائل پیش‌بینی نشده در کنار مسائل جدید و تازه حادث شده، و یا نحوه مواجهه مجریان و توان و امکان آن‌ها، موجب شکاف و ایجاد فاصله بین برنامه قصد شده و برنامه اجرا شده می‌شود. این موضوع ارزیابی و پایش مستمر برنامه را ایجاب می‌کند تا از مسیر اصلی دور نشود و گام‌به‌گام اصلاح شود. خوش‌بختانه برنامه تلفیق به نحوی طراحی شده که آماده پذیرش تغییر است و از قابلیت و انعطاف لازم برای هم‌گامی و همراهی با مقتضیات و شرایط متحول و متغیر برخوردار است.

از سوی دیگر، برنامه‌ریزان درسی و مؤلفان کتاب‌های جدید نیز با آغوش باز از هر نوع نقد و نظری از جانب معلمان استقبال می‌کنند. «رشد آموزش علوم اجتماعی» تقاطع این اضلاع و جایی است که سه عنصر برنامه‌ریزان و مؤلفان، معلمان و مجریان، و نیز دانش‌آموزان را به‌عنوان بهره‌مندان و مصرف‌کنندگان غایی و نهایی برنامه در کنار هم قرار می‌دهد و امکان تعامل، هم‌فکری، تبادل تجارب و همراهی آن‌ها را فراهم می‌کند. مجله رشد آموزش علوم اجتماعی، ورای مناسبات سازمانی بین وزارت‌خانه، سازمان پژوهش و مدرسه، مناسبات رسمی بین مدرسه و معلمان و یا مناسبات اقتداری بین معلمان با دانش‌آموزان، در یک فضای ارتباطی امکان گفت‌وگوی برابر و متوازن، سخن گفتن بدون هر نوع لکنت و ملاحظه را فراهم می‌کند. چرا که وظیفه این رسانه، گذشته از طرح و نشر دیدگاه‌ها و نظرات و تعاطی افکار و اندیشه‌های علمی و آموزشی در حوزه علوم اجتماعی، نظارت بر حسن اجرای برنامه‌های آموزشی است.

در واقع اگر کتاب‌های درسی را وجه ایستا و نماد وضع موجود برنامه آموزشی تلقی کنیم، مجلات آموزشی سوبیه پویای برنامه هستند که با نگاه به آینده از یکسو و نیز مقتضیات زمان و مکان و نیازهای دائماً رو به تغییر و متحول شونده مخاطبان و جامعه از سوی دیگر، به‌طور مستمر بر حسن اجرای برنامه‌های آموزشی نظارت و میزان نزدیکی و یا فاصله آن را از اهداف برنامه پایش می‌کنند. از این نظر، ما و معلمان هر دو در یک جبهه قرار داریم و به‌همین دلیل نیز مجله رشد آموزش علوم اجتماعی خود را تربیون و صدای معلمان برای پایش و نظارت بر اجرای برنامه‌های درسی علوم اجتماعی و به‌ویژه رویکرد جدید تلفیق می‌داند.

دست همه معلمان متعهد و متخصصان و کارشناسان دلسوز نسبت به سرنوشت آموزش علوم اجتماعی در کشور را به گرمی می‌فشاریم و هم‌زمان با آغاز سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ از همه این علاقه‌مندان دعوت می‌کنیم با دقت نظر و تأمل، رویکرد تلفیق را در برنامه درسی علوم اجتماعی مورد نقد و ارزیابی قرار دهند و حاصل یافته‌ها، تجارب و تأملات خود را با مجله رشد آموزش علوم اجتماعی در میان بگذارند.

سردبیر